

۱۳۶ - کدام موارد، از ویژگی‌های «فکری» سبک خراسانی محسوب می‌شود؟

الف) حاکم بودن روح حماسه بر ادبیات این دوره

ب) واقع گرا بودن شعر، محسوس و عینی بودن آن و سادگی توصیفات

ج) بهره گرفتن از تشبیهات حسی در توصیف پدیده‌ها

د) رشد قالب غزل در اوایل دوره این دوره

۴) ب - ج

۳) ب - د

۲) الف - د

۱) الف - ب ✓

۱۳۷ - متن زیر برگزیده‌ای از کدام اثر ادبی است و مربوط به کدام دوره است؟

«پس عبدالملک گفت که ایها الملک، من خداوند اشترم نه خداوند خانه و مر این خانه را خداوندی هست و او خود خانه خود را نگاه دارد.»

۲) کشف المحجوب - دوره غزنوی

۴) ترجمة تفسیر طبری - دوره سامانی ✓

۱۳۸ - پدیدآورندگان «مکاتیب - صد پند - نفحات الانس - عشاونامه» به ترتیب خالق آثار ..... نیز هستند.

۱) مجالس سیعه - رسالت دلگشا - بهارستان - لمعات ✓

۲) فیه مافیه - تاریخ گزیده - تحفه الاحرار - جامع التواریخ

۳) مشتوى معنوی - اخلاق الاشراف - تذكرة الاولیا - تاریخ جهانگشا

۴) دیوان شمس - موش و گربه - مرصاد العباد - جمشید و خورشید

۱۳۹ - از دیدگاه تاریخ ادبیات همه موارد کاملاً درست است، به جز:

۱) بازماندگان تیمور کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر بذیرفتند و ادبیات رونقی تازه گرفت و تاریخ‌نویسی نیز ادامه یافت.

۲) جامی در کتاب نفحات الانس خود به شیوه تحفه الاحرار نظمی به بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان پرداخته است. ✓

۳) بایسنقر میرزا هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان فرآن کریم و شاهنامه فردوسی را به خط خوش نگاشتند.

۴) پس از مرگ تیمور، شاهرخ با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت نمود.

۱۴۰ - در همه ادبیات ویژگی‌های «فکری» سبک عراقی مشهود است، به جز:

که در نایم از دست زهد ریایی

که در مقام رضا باش وز قضا مگریز

زان که ضایع نشود هرچه به جای تو کند

هرکه او را خبر از شنعت و رسولایی هست

۱) می صوفی افکن کجا می فروشند

۲) بیا که هاتف میخانه دوش بامن گفت

۳) نعمت عاجل و آجل به توداد از ملکان ✓

۴) خبر از عشق نبوده است و نباشد همه عمر

۱۴۱ - سراینده کدام بیت «غلط» معرفی شده است؟

۱) جنگ ننگ است در شریعت من

۲) آن زمان که بنهمادم سر به پای آزادی ✓

۳) غلغلی انداختی در شهر تهران ای قلم

۴) گر این چنین به خاک وطن شب سحر کنم

۱۴۲ - انتساب کدام آثار به پدیدآورنده آن «غلط» معرفی شده است؟

۱) (شمس و طغرا؛ حسن مقدم) (بره گمشده راعی؛ امین فقیری) ✓

۲) (تنگسیر؛ صادق چوبک) (شمس الدین و قمر؛ میرزا حسن خان بدیع)

۳) (خداوندانه؛ صبای کاشانی) (تاریخ تطور نظام فارسی؛ محمد تقی بهار)

۴) (تاریخ بیداری ایرانیان؛ ناظم الاسلام کرمانی) (متشارات؛ قائم مقام فراهانی)

۱۴۳ - همه موارد، بیانگر ویژگی‌های «سطوح ادبی» شعر معاصر است، به جز:

۱) انتساب وزن، متناسب بالحن طبیعی گفتار و زبان شعر است.

۲) صور خیال، جدید و نو هستند و تکرار تصاویر شاعران دوره‌های قبل نیستند.

۳) سادگی و روانی زبان شعر و جمله‌بندی‌های ساده در شعر معاصر کاملاً چشمگیر است. ✓

۴) ابهام در شعر معاصر پسندیده است و معنی گریزی از ویژگی‌های شعر این دوره است.

۱۴۴ - نویسنده «داستان باستان - جای پای خون - همسایه‌ها - تهران مخوف» به ترتیب، چه کسانی هستند؟

- (۱) میرزا حسن خان بدیع - سید مهدی شجاعی - جمالزاده - محمد باقر میرزا خسروی
- (۲)  میرزا حسن خان بدیع - سید مهدی شجاعی - احمد محمود - مشقق کاظمی
- (۳) میرزا حبیب خراسانی - علی مؤذنی - جمالزاده - محمد باقر میرزا خسروی
- (۴) محمد باقر میرزا خسروی - علی مؤذنی - احمد محمود - مشقق کاظمی

۱۴۵ - آرایه‌های مقابله همه ایيات کاملاً درست هستند، به جز:

مارشته مهر از همه بگسیخته بودیم (مجاز، تضاد)  
از شاخه سرو چمن آویخته بودیم (لف و نشر، مجاز)  
خوش آتش و آبی به هم آمیخته بودیم (استعارة، ایهام)  
آب رخی از شنبه و گل ریخته بودیم (استعارة مصرح، استعارة مکثیه)

(۱) زان پیش که در زلف تو بندهیم دل خویش

(۲) تازلف و رخت بردمد از سایه و روشن

(۳) دور از لب شیرین تو چون شمع سیه روز

(۴)  با گریه خونین من و خنده مهتاب

۱۴۶ - نوع استعارة در همه ایيات با شعر زیر یکسان است، به جز:

«می تراود مهتاب، می درخشید شب ناب

نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک

غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می شکند

(۱) کام حرص است که از شهد نگردد شیرین

(۲) باغ سلام می کند سرو قیام می کند

(۳) از ترشرویی گردون گله بی انصافی است

(۴)  از لعل تو گریابه انگشتی زهار

ورنه قانع زنی خشک شکر می چیند  
سبزه پیاده می رود غنچه سوار می رسد  
خنده برق شنیدی به خس و خار چه کرد  
صد ملک سليمان در زیر نگین باشد

«یافت می شود؟

پند با عاشق بیدل چه تواند کردن  
یادگاری که در این گند دوار بماند  
نقش زخمی است که از تیشه فرهاد شکفت  
در رهگذر باد نگهبان لاله بود

کایم از سر همچون نیلوفر گذشت  
همچون شکراندر آب دادی  
چشم فلک چون تو آفتاب نبیند  
ولیک از دود او بر جانش داغی

(۴)  چهار

(۳) سه

و ایام به من جوعه جامت نرسانید (مجاز، تشخیص)  
وز لعل شکربار می و نقل فرو ریز (لف و نشر، موازنہ)  
شمع را در جامه فانوس دیدن مشکل است (موازنہ، تشخیص)  
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی ارزد (جناب، کنایه)

(۴)  الف - د

(۳) ب - ج

وز ایش کام روانم ناردنی بیش نیست  
کان نرگس میت و گل خندان من اینجاست  
کاو همچو بندگان بدهد بوسه بر جناب  
آن را که همچو سرو و صنوبر قبا یکی است

الف) روی چون خورشید بنمای از نقاب

ب) بی آن لب چون شکر تنم را

ج) روح ذ تو خوبتر به خواب نبیند

د) در فشان لاله در وی چون چراغی

(۱) یک (۲) دو

۱۴۹ - آرایه‌های رو به روی کدام ایيات، درست است؟

الف) عمری است که چون جام جگر تشنۀ عشق

ب) در بزم ز رخسار دو صد شمع برافروز

ج) عشق را در پرده فاموس دیدن مشکل است

د) شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است

(۱) الف - ب (۲) ج - د

۱۵۰ - در تمام ایيات همه ارکان تشییه وجود دارد، به جز:

(۱)  در غمش چون دانه ناز است آب چشم من

(۲) مرغان چمن باز چو من عاشق و مستند

(۳) خورشید را به روی تو تشییه چون کنم

(۴) پرورای سرد و گرم خزان و بهار نیست

در این معامله گر عمر من وفا بکند  
خورشید را گدا و تو را شاه می‌کشند  
که به جان از پی آن تیر و کمان باید رفت  
که فلک تیره شد از تیرگی کوکب ما  
همچون بنفشه بر سر زانو نهاده ایم

- (۲) ۵ - الف - ب - ه - ج  
(۴) ه - ۵ - ب - الف - ج

ترک است و به چوگان بزنده چون گویم  
یک دل واین همه غم وای به من  
که رحمت برندت چو رحمت بری  
به از پادشاهی که خرسند نیست  
آینه صفت محظوظ تماشای تو باشد

- (۳) الف - ج - ۵  
(۴) الف - ج - ه

ولندیشة تو از دل و جانم نمی‌رود  
دوشم به لب شیرین جان داد به هر بوسه  
در لطف تو کس بر من بینده گر تو بگشایی  
خوش خرامان شو که پیش قدر عنا میرمت

(۲) هیج مرغ دلی از حلقه زلف تو نجست  
(۴) آگاهیش ز راحت عشق خسته نیست

که این سخن به مثل باد با سلیمان گفت  
من بعث خاک در خلوت درویشان است  
در عرصه خیال که آمد کدام رفت  
گویی که پسته تو سخن در شکر گرفت

روز او را به آفتاب نیاز

- (۲) حذف همزه  
(۴) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

هنوز بامن بیدل تو بر سر کینی  
کاشانه بدین تنگی یک باره خراب اولی  
در بندگی خاک درش صدرنشین باش  
دورم ز خویشتن کرد با صد هزار خواری

وه که تو در کنار گل من به میان آتشم  
اول به سر دویدم آخر ز پافتادم  
از تنگ دلی بادر و دیوار به جنگم  
می‌سند بدین روزم مگذار بدین حالم

الف) بر آن سرم که جفای تو را به جان بخرم  
ب) من مات صورت تو که در کارگاه حسن  
ج) مژه و ابروی او دیدم و با دل گفتم  
د) کس مبادا به سیه روزی ما در ره عشق  
ه) بی‌زلف سرکش سر سودایی از ملال

- (۱) الف - ۵ - ج - ه - ب  
(۳) ۵ - ه - ج - الف - ب

۱۵۲ - کدام ایيات «فاقد» ردیف است؟

الف) من قصه خویشن بدو چون گویم  
ب) تنگ شد از غم دل، جای به من  
ج) مشو تا توانی ز رحمت بری  
د) گدایی که بر خاطرش بند نیست  
ه) خوش آن که نگاهش به سرو پای تو باشد

- (۱) ب - ج - ۵  
(۲) ب - ۵ - ه

۱۵۳ - کدام بیت، براساس قاعده و تبصره ۱۱ «قافیه سروده شده است؟  
(۱) رفتی و نام تو ز زبانم نمی‌رود  
(۲) از پسته تنگ خود آن یار شکر بوسه  
(۳) زهی خورشید را داده رخ تو حسن و زیبایی  
(۴) میر من خوش می‌روی کندر سر و پا میرمت

۱۵۴ - وزن مصraig زیر با کدام مصraig، یکسان است؟

«گرخون من زشیشه بربزد به جام او»  
(۱) کار فرو بسته ام هیج گشايش ندید  
(۳) ز شرم عارض او لاله بست بر رخ ماه

۱۵۵ - در همه ایيات هر دو اختیار «وزنی و زبانی» وجود دارد، به جز:

(۱) گره به باد مزن گرچه بر مراد رود  
(۲) حافظ ار آب حیات ازلی می‌خواهی  
(۳) مستم کن آن چنان که ندانم ز بی خودی  
(۴) زنهار از آن عبارت شیرین دل فریب

۱۵۶ - بیت زیر فاقد کدام «اختیار شاعری» است؟

«هر که در سایه تو باشد نیست  
(۱) ابدال  
(۳) بلند بودن هجای پایان مصraig

۱۵۷ - کدام بیت را «نمی‌توان» به دو صورت تقسیم‌بندی هجایی کرد؟

(۱) سپهر با همه بی‌مهریش به مهر آمد  
(۲) گنجینه مهر او در سینه نمی‌گنجد  
(۳) ای خواجه برو بندۀ آن زهره جبین باش  
(۴) شاخ گلی که ا بش از جوی دیده دادم

۱۵۸ - کدام بیت «فاقد» وزن دوری (همسان دو لختی) است؟

(۱) ناتوبه گلشن آمدی با همه در کشاکشم  
(۲) در وادی محبت دانی چه کار کردم  
(۳) تاخیل غم خیمه زد اند دل تنگم  
(۴) ای کعبه مقصودم وی قبله آمالم

۱۵۹ - وزن کدام مصraig در مقابل آن «غلط» آمده است؟

(۱) راز همه کرد افسانه نموده رخ زیبا (مفعول مقاعیل مقاعیل فعلون)

(۲) نشستم از سو زلفش ولی به روز سیاهی (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)

(۳) امشب ای زلف سیه سخت پریشان شده‌ای (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

(۴) دوش ز دست رقیب ساغر می خورده‌ای (مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن)

۱۶۰ - با توجه به عروض و قافیه کدام گزینه، در مورد رباعی زیر «غلط» ذکر شده است؟

«بازار قبول گل چو شد خوش خوش تیز گل گفت که آب قدمش خیره مریز

ما دست گلابگر گرفتیم و گریز»

(۱) ابیات را می‌توان به دو صورت دسته‌بندی هجایی کرد.

(۲) در بیت اول از اختیار شاعری ابدال استفاده شده است.

(۳) در بیت دوم شاعر دو بار مصوت کوتاه را بلند تلفظ کرده است.

(۴) قافیه رباعی براساس قاعده «۲۲» آمده است و حرف روی «ز» است.

۱۶۱ - مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان است؟

«این که گاهی می‌زدم بر آب و آتش خویش دا

(۱) کاش چون شمع همه سر شود اعضای کلیم

(۲) وصل جذان قسمت اهل هوش شدای دریغ

(۳) تا گشودم دیده روشن در این ظلمتسرما

(۴) قسمت ما چون کمان از سهم خود خمیازه‌ای است

۱۶۲ - مفهوم قطعه زیر از کدام بیت دریافت می‌شود؟

«چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن

اگر بزاران به کوهستان نبارد

(۱) فروزد شمع افیالت به نور خویشن آری

(۲) ابله‌ی کاو روز روشن شمع کافوری نهد

(۳) کرد خرج آب و گل کوتاه بینی‌ها مرا

(۴) قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن

۱۶۳ - مفهوم همه ابیات یکسان است، به جز:

(۱) گر تمثای تو از خاطر ناشاد رود

(۲) این نغمه محبت بعد از من و تو ماند

(۳) از صدای سخن عشق ندیدم خوشتتر

(۴) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت

۱۶۴ - کدام ابیات، در بردارنده مفهوم «انتظار» است؟

الف) ما به غم خو گردهایم ای دوست ما را غم فرست

ب) ای صبح شب‌نشینان جانم به طاقت آمد

ج) یک عمر دور و تنها، تنها به جرم این که

د) شب چو دربستم و مست از می نابش کردم

ه) همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

(۱) الف - ج (۲) الف - ه

۱۶۵ - مفهوم «بی توجیهی معشوق، اذابت و تپریع، طلب جلوه‌گری، وفاداری» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

الف) در بزم زرخسار دو صد شمع برافروز

ب) تا گنج غمت در دل ویرانه مقیم است

ج) پیش کمان ابرویش لابه همی کنم ولی

د) اشک سحر زداید از لوح دل سیاهی

(۱) ج - د - الف - ب (۲) ج - د - ب - الف

روشنی در کار مردم بود مقصودم چو شمع «  
تاسراسر به ره عشق تو بر باد رود  
گل نصیب دست گلچین است گویی نیست هست  
خرج اشک و آه شد جسم نژارم همچو شمع  
هرچه داریم از برای دیگران داریم ما

که می‌گویند ملاحان سرودی  
به سالی دجله گردد خشک رودی «  
چراغ مهر عالمتاب مستغنى است از روغن  
زود باشد کش به شب روغن نماند در چراغ  
پیش تر از خانه می‌باشد خود را ساختن  
از کنار ابر تا دریا تنزل پایدش

داغ عشق تو گلی نیست که از یاد رود  
تا در زمانه باقی است آواز باد و باران  
یادگاری که در این گند دوّار بماند  
فتنه‌انگیز جهان غمزه جادوی تو شد

تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست  
از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران  
او سرسپرده می‌خواست من دل سپرده بودم  
ماه اگر حلقه به در گوفت جوابش کردم  
به پیام آشنایی بنوازد آشنا را

(۳) ب - ۵ (۴) ب - ه

وز لعل شکریار می و نقل فرو ریز  
همواره مرا کوی خرابات مقام است  
گوش کشیده است از آن گوش به من نمی‌کند  
خرم کند جهان را باران صبحگاهی  
(۳) ب - الف - د - ج (۴) د - ج - الف - ب